

آموزش جملات شرطی غیر واقعی و فرضی به غیرفارسی زبانان در فرایند فرهنگ سازی

لیلا عباس زاده زیدی^۱
سید اسماعیل فرجی^۲

چکیده:

گاه زبان در کاربرد خود از کلمات و جملات به گونه ای استفاده می کند که از جهان واقعی اطراف گریز می زند. این امر تابع فرایندی است که «فراواقعیت زبانی» نامیده می شود. در زبان فارسی جملات، واژگان و کلماتی وجود دارد که در قالب اسم، فعل و قید، مدلول و ما به ازاء خارجی آن تنها در بافت فرهنگی زبان اول معنا می یابد. آموزش این امر برای غیر فارسی زبانان با دشواری هایی همراه است و این دشواری در تدریس واژگان و یا عباراتی که به کمک فرایند بزرگ نمایی (اغراق) یا کوچک نمایی (تخفیف) صورت می گیرد، محسوس تر می شود؛ زیرا امکان آموزش آن بدون توجه به زیرساخت های فرهنگی زبانی مبدأ برای زبان آموز وجود ندارد. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و به استناد داده های کتابخانه ای و بر مبنای پژوهش های نوین زبان شناختی به طرح مبانی نظری و راه کارهای آموزشی جهت آموزش این نوع جملات در برنامه های فارسی آموزی به غیرفارسی زبانان می پردازد. نتایج، مشخص می سازد که زبان آموز در همه سطوح می تواند با کمک فیلم، با بافت فرهنگی زبان مبدأ به راحتی ارتباط برقرار نماید و با انتخاب فیلم مناسب به راحتی با بافت گفتاری - محاوره ای واژگان فراواقعی ارتباط برقرار کند و از نظر موقعیتی به کاربرد مناسب این واژه ها در شرایط مختلف و یا جنسیت و سنین متفاوت به خوبی پی ببرد.

کلیدواژه ها:

آموزش زبان، جملات شرطی غیر واقعی، خودکار سازی، فیلم.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآنی، مدرس آموزش زبان فارسی جامعة المصطفی. نویسنده مسئول. ایمیل: atre.yasin57@gmail.com

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس جامعة المصطفی. ایمیل: esmail.faraji1351@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۵

۱. مقدمه

گریز از واقعیت، نوعی حرکت زبان از جهان واقعی اطراف است. به عنوان مثال در جمله «اگر درس می خواندی، برایت این ماشین را خریده بودم» به خوبی روشن است که این عبارت تنها در جهان فرضی و جهان ممکن غیر از جهان واقعی اطرافمان امکان پذیر است. خرید «ماشین» تنها زمانی امکان درک می یافت که ما در جهان ممکن شرایط خاصی را در نظر بگیریم و آن هم «درس خواندن» مخاطب است.

ازسویی آموزش زبان فارسی با دشواری ها و محدودیت های عمده ای مواجه است که حاصل آن سبب پیشرفت بسیار کند زبان آموزان در کسب مهارت های گفتاری و آشنایی آنان با ساختارهای زنده و جاندار زبان در سطح جامعه است. از این رو ضروری به نظر می رسد با بهره گیری از پژوهش های جدید، راه کارهای مناسب در تدریس گونه های غیروشتاری به غیر فارسی زبانان مورد توجه برنامه ریزان و مدرسان قرار گیرد. این مقاله با توجه به ضرورت مطرح شده به منظور هموار ساختن راه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان فراهم آمده است. برای شکل گیری، رشد و پیشرفت مهارت های چهارگانه زبانی و آموزش همه سطوح زبانی می توان از رسانه های آموزشی استفاده نمود. با وجود نقش انکارناپذیر رسانه های آموزشی در تسهیل و تسریع فرآیند آموزش زبان، میزان استفاده از این رسانه ها در مراکز آموزشی کشورمان با وضعیت مطلوب و استاندارد فاصله زیادی دارد. در برخی مراکز آموزش زبان فارسی مدرسان به هیچ گونه فیلم، نوار، ویدئو، رایانه و . . . دسترسی ندارند.

در سنت مطالعات ادبی و کتب بلاغی از جملات فرضی / جملات شرطی غیرواقعی با عنوان «اغراق»، «غلو»، «مبالغه» و «تخفیف» سخن به میان آمده است. شگردهای مورد بحث در سنت مطالعات ادبی را می توان به دو گروه عمده تقسیم نمود. گروه نخست شگردهایی چون اغراق، غلو و مبالغه را شامل می شود که تحت عنوان «بزرگ نمایی» می توان از آن یاد کرد و گروه دوم آنچه که «تخفیف» یا «کوچک نمایی» نام دارد. شفیعی کدکنی اغراق را ارائه یک تصویر از بیان یک حالت یا یک وصف می داند با این تفاوت که در اغراق

صفت یا حالت مورد نظر یا تصرفی که در ذهن گوینده انجام می‌شود از وضع عادی و طبیعی که دارد، تغییر می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۳۷). در مطالعات ادبی همچنین نوعی دیگر از واقعیت‌گریزی وجود دارد که از آن تحت عنوان «تخفیف» یا «کوچک‌نمایی» یاد می‌شود. «تخفیف یا رندانه گویی شگردی است که عکس اغراق عمل می‌کند و معانی بزرگ را خرد جلوه می‌دهد و تأثیر سخره آمیز خلق می‌کند» (داد، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در میان غربیان نیز آنچه که با عنوان bombast و یا hyperbole وجود دارد، دالّ بر بزرگ‌نمایی است که نوعی سبک پُرطمطراق و اغراق آمیز است و دارای زیاده‌گویی (اسکات، ۱۹۶۵: ۱۳۴). کوچک‌نمایی و یا litotes نیز معادلی از تخفیف در فارسی است.

در پژوهش حاضر مسأله اصلی توجه به جملات فرضی و جملات شرطی غیر واقعی در زبان فارسی است و سعی نگارندگان بر آن است که به این پرسش پاسخ دهند که جملات فراواقعی در زبان معیار و خودکار فارسی دارای چه انواعی است و چگونه می‌توان این امر را به غیر فارسی‌زبانان آموزش داد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات کیفی است.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

اولین اثر پژوهشی که در آن به بررسی جملات شرطی غیر واقعی و ساختار توانشی آن در بافت محاوره در زبان گفتار پرداخته است رساله بورکز^۱ سال ۱۹۲۷ است که در آن ضمن مقایسه نوشته‌های ادبی و سخنرانی‌هایی که در مجامع توسط اشخاص سرشناسی چون امرسون، گلدستون و لینکلن انجام شده است به این مبحث پرداخته است. پژوهش‌های بعدی در این زمینه بیشتر در حیطه گفتار و نوشتار عمدتاً در آمریکا، کانادا و اروپا انجام گرفته و زبان‌شناسان بویژه طی نیم قرن اخیر مطالبی را پیرامون چگونگی آموزش بافت فرهنگی در ساختار جملات فراواقعی مطرح نموده‌اند.

۱. Borchers

از جمله شاخص‌ترین تحقیقات دیگری که تا حدودی به مباحث قضاوت گفتار و نوشتار صورت گرفته است، می‌توان به «فارسی در گفتار» از مدرسی (۱۳۸۰)، فارسی گفتاری و نوشتاری از کلباسی (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی گفتاری از وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) می‌باشد که در این آثار به تفاوت مباحث فارسی گفتار با نوشتار توجه شده است.

از جمله مقالات مرتبط نیز مقاله ایزدی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی فرایند واقعیت‌گریزی در زبان خودکار فارسی» است که در آن به بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی در زبان فارسی خودکار اشاره شده است. صفارمقدم و رستم‌بیگ (۱۳۹۳) نیز در مقاله «آزفا سینمایی: کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان» بیشتر بر کیفیت فیلم انتخابی و نحوه انتخاب ژانر فیلم تأکید دارند.

۴. چهار چوب نظری بحث

واژه از عناصر پایه در یادگیری زبان محسوب می‌شود و نقش مهمی در ایجاد ارتباط با مخاطب دارد. در دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ میلادی که نقطه اوج زبان‌شناسی ساختگرا محسوب می‌شد، بیشتر ساختار نحوی و نظام آوایی زبان مورد توجه قرار می‌گرفت و به واژه و آموزش آن اهمیت چندانی داده نمی‌شد. نونان (۲۰۰۱) در این باره می‌نویسد «در بیشتر روش‌های آموزش زبانی، واژگان نسبت به دستور زبان، نقش دوم را بازی می‌کنند» (کارتیر و مک‌کارتین، ۱۹۹۸: ۴۱). اما اندک‌اندک در دهه ۷۰ میلادی مخالفت با نظریه حاکم شروع شد و ویلکینز (۱۹۷۴) که از اولین این مخالفان است این گونه اذعان دارد: «بدون دستور می‌توان اطلاعات کمی را منتقل کرد؛ اما بدون واژه، انتقال اطلاعات اصلاً امکان ندارد» (همان: ۴۳). به تدریج با تحول در آموزش واژه، به جنبه‌های مختلف آن همچون بسامد، محدودیت‌های کاربرد واژگان، نقش نحوی آن، همنشینی واژه‌ها و ساختار معنایی آن در کاربرد آموزشی و مسائلی از این دست توجه شد؛ تا جایی که در پایان دهه ۷۰ میلادی به تدریج جایگاه آموزش واژه در زبان‌آموزی و معانی آن اعم از معانی قاموسی و اصطلاحی و یا محاوره‌ای در زبان‌آموزی تثبیت شد و دانش واژگانی به بخش مهمی از یادگیری زبان دوم / خارجی تبدیل شد. امروزه تسلط بر واژه‌ها، یک مهارت زبانی به حساب

می‌آید و هدف از آن، توانایی کاربرد واژه در ساختارهای گوناگون (رسمی و غیر رسمی) است.

«فرایند واژه‌آموزی، فرایندی روبه‌رشد است؛ یعنی هم‌زمان با استفاده بیشتر از زبان جدید برای برقراری ارتباط، نیاز به واژه‌های جدید و نیز درک و تعمق معنای واژه‌های قبلی بیشتر می‌شود» (گله‌داری، ۱۳۹۲: ۸۶۶). در واقع گستردگی دایره واژگانی زبان‌آموز، بر مهارت‌های زبان-آموزی همچون صحبت کردن راحت او در سطح جامعه و مطابق با شرایط و درک مطلب و خواندن، تأثیر می‌گذارد. بنابراین در حوزه آموزش زبان، اعم از زبان اول و زبان دوم یا خارجی، معلم باید درباره آموزش معنای واژه‌ها اعم از معنای قاموسی و اصطلاحی بکوشد و روش مناسبی را انتخاب نماید. اینکه چگونه زبان‌آموزان با معنای قاموسی و گفتاری واژه‌ها آشنا می‌شوند، به چه روشی این معنای به آنها ارائه می‌شود، از چه وسایل و ابزاری می‌توان استفاده نمود، آیا واژه‌ها مورد به مورد باید آموزش داده شوند، یا هر واژه در متن تدریس می‌شود.

سیل (۱۹۹۱) آموزش واژه را در دو قالب امکان‌پذیر می‌داند: نخست آموزش واژه در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده^۱ و دوم آموزش در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی نشده^۲. در آموزش واژه بر مبنای فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، مدرس و زبان‌آموز هدفی را دنبال می‌کنند که از قبل برنامه‌ریزی شده است و با توجه به نوع واژه، ساختار فرهنگی نهفته در پس آن روش آموزش مشخص می‌شود. گاهی نیز زبان‌آموز، یک واژه را در طول درس می‌شنود و معنای آن را می‌پرسد یا معلم در کلاس متوجه می‌شود واژه‌ای نیاز به توضیح دارد که این گونه موارد در زمره فعالیت‌های برنامه‌ریزی نشده قرار می‌گیرد. همان گونه که پیشتر نیز بیان شد، سؤال اساسی در این پژوهش آن است که زبان‌آموز غیر فارسی زبان چگونه می‌تواند جملات شرطی غیرواقعی بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی شده را درک و دریافت کند. در قسمت بعد به توضیح این مطلب خواهیم پرداخت.

۴/۱. جملات شرطی غیرواقعی زبانی

۱. planned vocabulary activities

۲. unplaned vocabulary activities

هر انتخابی سبب می‌شود که مدلول‌های زبانی خاصی شکل بگیرد. این مدلول‌ها در قالب‌های مختلفی از نقش‌های دستوری متفاوت ایفای نقش می‌کنند.

۱/۴. جملات شرطی غیرواقعی فعلی

در جمله «از تعجب خشکم زد» با اغراق و بزرگ‌نمایی در «فعل» مواجه هستیم. کاربرد فعل مرکب «خشکم زد» موجب ایجاد این واقعیت فرضی شده است. و یا در جمله «از تعجب شاخ درآوردم»، «از چشم‌هاش شرارت می‌بارد»، «از خوشحالی بال درآوردم» و امثال آن با اغراق و بزرگ‌نمایی در ساختار فعل جمله مواجه هستیم.

۲/۴. جملات شرطی غیرواقعی قیدی

گاه واقعیت‌گزینی در مدلول قیدی جمله رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال در عبارت «گلولة گلولة اشک می‌ریزه» مخاطب اغراق جمله را در قید آن «گلولة گلولة» مشاهده می‌نماید و یا در جمله «اصلاً خواب و خوراک نداره» قید اصلاً مرز واقعیت جمله را به‌هم ریخته است و آن را با جهان ناممکن پیوند داده است. ÷

۳/۴. جملات شرطی غیرواقعی اسمی

گاه این شگرد در مدلول «اسمی» جمله به کار می‌رود. به‌عنوان نمونه در عبارت «الان عالم رو خبردار می‌کنه»؛ «عالم» به‌عنوان اسمی است که در ساختار کاربردشناسی خود به-صورت غیرواقعی به کار رفته است و یا در مثال دیگری «اون بفهمه، کل دنیا فهمیدن»، «این کارش تابلو بود»، که همه از جمله مثال‌هایی هستند که از طریق کمیّت اسمی جمله به بیان امری غیرواقعی پرداخته‌اند.

۴/۴. جملات شرطی غیرواقعی صفتی

گاه کاربرد غیرواقعی در ساختار «صفت» در جمله رخ می‌دهد. به‌مثال زیر دقت کنید: «بیچاره شدیم». در مثال یاد شده صفت «بیچاره» نمونه‌ای از ساختار صفت در کاربرد معناشناسی غیرواقعی است؛ و یا در مثال «ته دلم روشنه که درست میشه» صفت «روشن» نیز این نقش معنایی را ایفا می‌کند. این دسته از واقعیت‌گزینی‌ها و جملات شرطی غیرواقعی در دو ساختار کلی

«بزرگ‌نمایی» یا «کوچک‌نمایی» گنجانده می‌شوند. حال سؤال اصلی آن است که چگونه می‌توان این نوع جملات را به غیرفارسی‌زبانان آموزش داد. ۴/۲. جملات فرضی در زبان‌شناسی

حرکت یک مدل‌ول زبانی به سمت مصداق سبب می‌شود آنچه در زبان اتفاق می‌افتد به واقعیات جهان خارج نزدیک‌تر شود و فاصله گرفتن مدل‌ول زبانی از مصداق، سبب می‌گردد تا زبان از واقعیت جهان خارج دور گردد. این فاصله گرفتن مدل‌ول زبانی از مصداق جهان خارج به دو شیوه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی مطرح می‌گردد.

لیچ^۱ در خصوص جملات شرطی غیر واقعی معتقد است که hyperbole یا اغراق یک مطلب و litotes یا بی‌ارزش جلوه دادن آن حقیقت را در زبان ادب تعریف می‌کند. البته مخاطب از بیان واقعی امور آگاه است؛ چرا که در غیر این صورت، تأثیر جملات از بین می‌رود (Leech: ۱۹۶۹، ۱۶۶). به عبارتی از منظر زبان‌شناسی، هر انتخابی که سبب شود درک در جهان ممکن‌ی غیر از جهان واقعیت صورت پذیرد، تابع فرایند فراواقعی زبانی است، بنابراین مسلماً واقعیت‌گریزی در زبان خودکار نیز کاربرد دارد. نمونه‌هایی از چند مثال که در زبان روزمره کاربرد دارد:

- (۱) صد دفعه گفتم نمی‌یام.
- (۲) بمیرم رواست.
- (۳) چشمت کور شد انقدر گریه کردی.
- (۴) خودم و کشتم تا امتحان و قبول شم.
- (۵) قربونت برم.

جملات فرضی صرفاً به کاربرد جمله‌هایی با گریز از مصادیق جهان خارج محدود نمی‌شود؛ بلکه زبان از این فرایند در واژه‌سازی نیز به‌خوبی بهره می‌برد. نمونه‌هایی چون «چلچراغ»، «هزارپا» و جز آن را می‌توان در زبان فارسی از واژگانی به‌شمار آورد که با ساختار فراواقعی زبانی همراه هستند. هر انتخاب در زمان سبب می‌شود درک در جهان ممکن‌ی غیر از جهان واقعیت صورت پذیرد. جملاتی مانند «نوکرتم»، «بمیرم برات»، «قربونت برم»، «دورت بگردم»

۱. leech

و امثال این جملات را نمی‌توان به صورت دقیق در زبان دیگر به جز فارسی معادل‌سازی کرد؛ در حالی که اهل زبان به راحتی فراواقعی بودن این دسته از جملات را درمی‌یابند و به خوبی درک می‌کنند که گوینده صرفاً از نوعی بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی بهره گرفته است.

۴. توانش کاربردشناسی فرهنگی و جملات شرطی غیرواقعی

یول^۱ (۱۹۹۶) کاربردشناسی را مطالعه می‌داند. معانی‌ای که گوینده آن را منتقل می‌کند و شنونده آن را برداشت می‌کند، در واقع کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفتارهای زبانی سروکار دارد تا معنی خود کلمات و عباراتی که به کار می‌برند.

هر زبانی از راهبردهای کاربرد شناختی متفاوتی استفاده می‌کند و ما در صورتی می‌توانیم پیام‌های زبانی مختلف را انتقال دهیم یا درک و دریافت کنیم که بتوانیم بافت و معانی ظریف واژه‌ها را درک کنیم. درک معانی غیر زبانی واژه‌ها از طریق توانش کاربرد شناختی زبان مقدور است. این توانش میزان قدرت گویشور در تولید و درک جملاتی را می‌رساند که متناسب با بافت مورد نظر به کار می‌روند. به عبارت دیگر اهل زبان با تکیه بر این توانش کاربرد شناختی می‌توانند در بافت‌های اجتماعی گوناگون به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند. اهمیت توانش کاربرد شناختی بویژه در مسأله آموزش زبان بیگانه زبانان کاملاً مشخص می‌شود؛ چرا که احتمال ناموفق بودن برقراری ارتباط یا برداشت نادرست، میان این افراد بسیار بیشتر است. از این رو توانش کاربردشناختی در حوزه آموزش زبان بیش از همه در قالب کاربردشناسی «میان‌زبانی»^۲ بررسی می‌شود.

کاربرد ساخت‌های فراواقعی نیز به عنوان یکی از این مناسبات میان فرهنگی در زبان فارسی مطرح می‌شود، درحالی که می‌دانیم این دسته از ساخت‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند. در چنین شرایطی از آنجا که هر زبانی آئینه تمام‌نمای فرهنگ سخنگویان آن زبان به حساب می‌آید، نمی‌توان انتظار داشت که ساخت‌های فراواقعی و جملات واقعیت‌گریز از فرهنگی به فرهنگ

۱. Yule

۲. interlanguage pragmatic

دیگر گذر کنند و در زبان‌های مختلف معادل‌های دقیقی داشته باشند. در چنین شرایطی است که آموزش ساخت جملات و ساخت‌های فراواقعی اعم از بزرگ-نمایی یا کوچک‌نمایی، در حکم بخش ویژه‌ای از آموزش زبان امکان طرح نمی‌یابد؛ چرا که از ساختار معادلیابی واژگانی گذر می‌کنند و زبان آموز را به سطحی از کاربرد زبان دوم (بیگانه) می‌کشانند که بدون درک فرهنگ حاکم بر زبان تحت آموزش، امکان درک و یادگیری نمی‌یابد.

رویکرد ساختاری و ارتباطی در آموزش جملات شرطی غیر واقعی رویکرد ارتباطی (Communicative approach) روشی دیگر در آموزش زبان دوم است که در اواخر دهه ۱۹۶۳ میلادی جانشین روش آموزش زبان موقعیتی شد. زبان‌شناسان کاربردی بریتانیا دریافته بودند که تأکید بیش از اندازه به یادگیری و تسلط بر ساخت‌های زبان، در یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی کارایی چندانی ندارد و جنبه دیگری از زبان که همانا تسلط ارتباطی است (Communicative proficiency)، از اهمیت بیشتری برخوردار است، این ناکارآمدی باعث شد تا زبان‌شناسی نقش گرای بریتانیایی جان فرث و مایکل هلیدی، روش آموزش ارتباطی بنیان نهاده شد (ریچاردز و راجرز، ۲۰۰۱: ۹۵). در روش ساختاری، آموزش زبان براساس نکات دستوری و ساختاری زبان تعریف می‌شود؛ طرح درس ساختاری نیز با تکیه بر روش ساختاری آموزش زبان است. در مواردی که هدف آموزش زبان توسعه توانش زبانی باشد، از طرح درس ساختاری استفاده می‌شود که در این موارد صورت‌های زبانی مبنا قرار می‌گیرد و کارها براساس آن تعیین می‌شود (تاج‌الدین و عشقوی، ۱۳۹۲: ۹۰). روش ساختاری به‌تنهایی یا با تلفیق دیگر روش‌ها مانند استفاده از فیلم و عکس، یکی از رایج‌ترین طرح درس‌ها در آموزش زبان است؛ اما رویکرد دیگر، رویکرد ارتباطی آموزش زبان است؛ واضح‌ترین مشخصه آموزش زبان، ارتباطی آن است که تقریباً هر فعالیت کلاسی با هدف ارتباطی صورت می‌پذیرد، در رویکرد ارتباطی به‌جای آنکه زبان آموز با یادگیری دستور و واژه‌ها به تولید زبان پردازد، تلاش می‌کند تا معنای ارتباطی را انتقال دهد و این برخلاف روش‌های سنتی پیشین است که یادگیری ساخت‌های زبانی، غایت زبان‌آموزی بود؛ البته باید یادآوری کرد که در رویکرد ارتباطی آموزش، ساخت‌های زبانی / دستوری

حذف نمی‌شود و مسلماً بدان نیاز است.

در رویکرد ارتباطی زبان دوم یا زبان خارجی، هدف آن است که زبان آموز، با کسب مهارت‌های چهارگانه شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن بر توانش ارتباطی تسلط پیدا کند. در این رویکرد به جای آنکه زبان آموز با یادگیری دستور و واژه‌ها به تولید زبان پردازد، تلاش می‌کند تا معانی ارتباطی را انتقال دهد.

گویندگان و نویسندگان معمولاً روابط متفاوتی با مخاطبان خود برقرار می‌کنند. جملاتی که به کمک اغراق یا کوچک‌نمایی بیان می‌شوند به قصد تأثیر بیشتر بر مخاطب به کار می‌رود. تأثیرگذاری این گونه از جملات «از امکانات وسیع ارتباط کلامی و غیرکلامی و نیز عوامل دیگر برای انتقال پیام بهره می‌گیرد. از این رو تأثیر گوینده بر شنونده با به کارگیری جملاتی از ساختار فرضی / محاوره‌ای بیشتر از تأثیر نویسنده بر خواننده است» (حسنی، ۱۳۸۴: ۹۱).

۵. فیلم و نقش آن در ایجاد فرایند ارتباطی و آموزش جملات شرطی غیرواقعی

فیلم همیشه در یادگیری و انتقال زبان و فرهنگ حائز اهمیت بوده و هست. پیشتر از فیلم تصویرهای نقاشی شده بر در و دیوار غارها و کلیساها و یا کتب کودکان، همواره وسیله‌ای بوده است که امر ارتباط را تسهیل می‌بخشیده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات در یادگیری و یاددهی زبان خارجی، طی چند دهه گذشته، اهمیت یافتن جنبه فرهنگی به عنوان عنصر کلیدی بوده که ماهیت تجربه زبان آموزی را تا حد زیادی دگرگون کرده است. پژوهش‌های بسیاری تأثیر فیلم در توانش ارتباطی زبان آموزان را مورد بررسی قرار داده و حاصل مثبت آن در انتقال معانی اصطلاحی و محاوره‌ای واژگان به زبان آموز را مورد تأکید قرار داده است.

استفاده از فیلم در امر آموزش توانایی بسیاری را در جهت انتقال بافت و توانش فرهنگی به مخاطب ایجاد می‌نماید تا جایی که زبان آموز می‌تواند به خوبی با طیف وسیعی از لغات محاوره و عامیانه‌ای که در سطح گفتار روزمره استفاده می‌شود، آشنا شود و جایگاه کاربردی آن را به خوبی دریافت نماید. زوردا (۲۰۰۶) با تأکید بر اهمیت انتقال بافت گفتمانی جامعه به زبان آموز، از عدم کفایت بسته‌های فرهنگی معمول در دوره‌های آموزش زبان برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی امروز سخن رانده است. «وب ۲۰۱۰، در

پژوهشی پیکره محور که از فیلمنامه ۱۴۳ فیلم با یک میلیون و دویست و هفتاد واژه تشکیل شده بود، میزان مواجهه زبان آموزان با واژه‌های کم‌بسامد را بررسی کرده و نتیجه گرفته که تماشای فیلم‌های مختلف به طور مدام در طی یک دوره طولانی، یادگیری تصافی را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد» (صفار مقدم و رستم بیک، ۱۳۹۳: ۸۵).

نکته مهم در کاربرد فیلم، انتخاب مناسب آن است. مطابقت با هدف معلم، مناسب بودن فیلم با سن و توانایی زبان آموزان، توانایی آن در انتقال زیرساخت‌های فرهنگی و برخورداری از فیلم‌نامه قوی و دیالوگ‌های مناسب و متناسب با اقتضاء نیازهای زبان آموزان در جهت برانگیختن علائق آنان، خصوصیات کیفی مناسب فیلم و برخورداری از واژگانی که در دو محور بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی یعنی جملات واقعیت‌گریز و فرصتی بتواند به زبان آموز اطلاعات ارزنده‌ای ارائه دهد.

در روش ارتباطی، هدف از یادگیری زبان آن است که زبان آموز بتواند زبان را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به کار ببرد (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷). فیلم سینمایی قدرت دستیابی مخاطبان را وسعت بخشیده و به همین دلیل می‌تواند ابزار مناسبی جهت ارائه نموده‌های واژگانی- فرهنگی باشد. آنچه را که در آموزش جملات فراواقعی / فرضی یا واقعیت‌گریز باید در نظر گرفته شود می‌توان ذیل موارد زیر خلاصه کرد:

- الف) تفاوت‌های واژگان فراواقعی در افعال؛
- ب) تفاوت‌های اصطلاحی؛

• ج) ساخت ویژه جملات با روش اغراق‌آمیز «بزرگ‌نمایی» یا تخفیف «کوچک‌نمایی».

برای نمونه به فهرستی از جملات فراواقعی استخراج شده از فیلم‌های سینمایی در اینجا بر اساس حرف الفبای آغازین اجمالاً اشاره می‌شود.

- ۱- آخرش من و دق می‌دی؛ ۲- آروم‌تر بخور، خفه کردی خودتو؛ ۳- از تعجب شاخ درآوردم؛ ۴- اعصاب برام نمونده؛ ۵- الهی قربون گفتنت بشم؛ ۶- با این کارها سنگ روسنگ بند نمیشه؛ ۷- بیاد ببینه نیستی، پوست از سر من میکنه؛ ۸- پدرم دراومد تا نمایندگی رو گرفتم؛ ۹- تا خرخره رفتیم تو قرض؛ ۱۰- تو منو بدبخت کردی؛ ۱۱- جفت چشات و از کاسه در میارم؛ ۱۲- دارم از استرس

می‌میرم؛ ۱۳- ساعت به ساعت چکش می‌کند؛ ۱۴- قدمتون روی چشم؛ ۱۵- کشته
مردم؛ ۱۶- مردها همه سروته یه کرباسن؛ ۱۷- نفسم بند اومد تو این پله‌ها؛
۱۸- هرچی بخوای اونجا هست؛ ۱۹- یادت نیست پاشنه خونه را از جا کنده
بودی؟؛ ۲۰- یه ریز حرف می‌زنه؛ ۲۱- یه لحظه هم از فکرت بیرون نمی‌آمد.

در کارگاه و آموزش زبان و فرهنگ با استفاده از فیلم که در سال ۲۰۰۹
در دانشگاه برعکس کالیفرنیا برگزار شد، آن کریستین رایس تأثیر روانشناختی
و ایدئولوژیک فیلم و کاربرد آن را به‌عنوان یک الگوی زبانی و فرهنگی و
نیز امکانی برای آموزش و گسترش دایره واژگانی از طریق فیلم مطرح نمودند
(صفارمقدم و رستم بیک، ۱۳۹۳: ۸۵).

۶. دلایل انتخاب فیلم برای افزایش آگاهی زبان آموز نسبت به جملات شرطی غیرواقعی / فرضی

اندیشه آموزش سینما محور در جهت تفهیم واژگان «واقعیت گریز» به
زبان آموزان غیرفارسی زبان به آن دلیل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که سطح
زبان فیلم قابلیت انتقال توانش فرهنگی و اصطلاحی در واژگان را به‌صورت توأمان
در بر می‌گیرد. از سویی دیگر انگیزه‌های مختلفی برای استفاده از ساختار فیلم
در امر آموزش این دسته از واژگان وجود دارد که می‌توان به اهم این موارد اشاره
نمود:

- الف) فیلم از قدرت تراکم کلامی بالا برخوردار است به این معنا که صحبت
یا مکالمات فریاد به‌همراه حرکت و اکشن موجود می‌تواند زبان آموز را با انبوهی از
اصطلاحات بزرگ‌نمایی شده یا کوچک شده مواجه کند که گاه در سطح جامعه و یا
کلاس درس اصلاً با آن برخورد نکرده باشد.
- ب) وجود اصطلاحات تخصصی یا منفی.
- ج) وجود اصطلاحات مربوط به گویش یا لهجه خاص.
- د) وجود طیف‌های گوناگون سنی و جنسیتی اعم از زن، مرد، کودک، بزرگ، پیر و
جوان با دایره واژگانی مخصوص به خود.

آنچه برای مدرس اهمیت دارد آن است که با توجه به عوامل برجسته جمعیت
شناختی چون سن، سطح، قومیت و میزان تسلط، زبان آموز فیلم‌هایی را انتخاب
نماید که از ساختار مناسب، بدون خشونت، بدون اهانت فرهنگی و متناسب با
ملاحظات زبانی و محتوایی و ارتباط بین وقایع و گفتار باشد و از ژانر مناسبی

برخوردار باشد. واژگان واقعیت گریز از سویی غیررسمی هستند و از سویی با بار عاطفی بسیار زیاد خود، مخاطب را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و همین موضوع مسأله آموزش این نوع واژگان را با دشواری مواجه می‌سازد. بنابراین ساخت‌های واقعیت گریز به عنوان یکی از مناسبات میان فرهنگی در زبان فارسی به خوبی از طریق انتخاب فیلم مناسب می‌تواند به زبان آموز منتقل گردد.

فیلم همیشه در یادگیری و انتقال آن به دنیای واقعی اهمیت دارد. تصویر همواره یک وسیله ارتباطی مهم برای انسان بوده است. تصویر، عکس و ابزارهای تصویری مانند نمودار و نقشه و فیلم یادگیری را تقویت می‌کنند. حافظه دیداری و به خاطر سپاری مطلب به کمک تصویر، از جمله فنون آموزشی مؤثر هستند.

در آموزش زبان نیز لازم است معلم از وسایل دیداری استفاده نماید؛ اصل دیداری یکی از اصول بنیادی در آموزش زبان است که معمولاً با نمایش خود اشیاء و تصاویر تحقق می‌یابد. تصاویر، نمودارها، لوحه‌ها و کارت‌ها، از جمله وسایل کمک آموزشی غیر فنی‌اند که معلم می‌تواند برای سنین و سطوح مختلف، آن‌ها را به کار ببرد (قیان‌داری بیدگلی و ضیا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ به نقل از: Celce-Murica).

وسایل دیداری سبب ایجاد انگیزه در زبان آموزان می‌شود، آنان را به یادگیری علاقه‌مند و یادگیری را آسان‌تر می‌کند. وسایل دیداری در توضیح مطالب، نقد و بررسی آن‌ها و ایجاد ارتباط و هماهنگی بین آن‌ها به معلم کمک می‌کنند و یادگیری را عینی‌تر، جذاب‌تر، معنادارتر و مؤثرتر می‌سازند. تصویرها، بویژه تصویرهای کتاب، به عنوان یک منبع اطلاعاتی غیر زبانی در کنار اطلاعات زبانی، مفهوم جامعی به زبان آموز ارائه می‌کنند. در واقع، اطلاعات غیر زبانی به او کمک می‌کنند تا حدس بزند و معنی را سریع‌تر درک نماید (همان: ۱۲۳). رایت بر استفاده از اطلاعات غیر زبانی در کنار اطلاعات زبانی در روش ارتباطی تأکید می‌کند. در سال‌های اخیر نیز معلمان بر معرفی زبان جدید به زبان آموز از طریق بافت‌های مناسب تأکید بیشتری داشته‌اند (Wright, ۱۹۸۹: ۱۳۷).

۷. تمرینات ارتباطی در زمان نمایش فیلم

۱/۷. پرسش و پاسخ

در هنگام نمایش فیلم تمرینات زیر بویژه در مهارت‌های شنیداری و گفتاری، به این شکل ضروری و قابل اجراست: ارتباط مستقیم استاد با دانشجویان و دانشجویان با استاد در خصوص دیالوگ‌های فیلم که شامل توضیحات و سئوالات استاد، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان به صورت انفرادی یا جمعی است.

۲/۷. ارتباط دونفره

ارتباط دو نفره دانشجویان - گفتگوهای دونفره که در پایان هر بخش از فیلم و همچنین گفتگوهایی که به کمک جمله‌های نمونه (در شکل رسمی، شکل گفتاری) پیش‌بینی شده است. پس از ثابت نگه داشتن تصویر از زبان آموزان خواسته می‌شود که آنچه لازم است تکرار کنند و به بازسازی آن در گفتار و در صورت امکان با لحن و حرکات مناسب پردازند.

۳/۷. استفاده از زیرنویس فیلم

زیرنویس فیلم ابزار آموزشی مناسب در فرایند فراگیری واژگان زبان دوم است. زبان آموزان می‌توانند در فرایند ارتباطی یک مرتبه فیلم را بدون زیرنویس و یک مرتبه با زیرنویس مشاهده کنند. استاد می‌تواند از زبان آموزان بخواهد در مرحله مشاهده فیلم بدون زیرنویس جملات مورد نظر را یادداشت کنند و سپس با مشاهده زیرنویس و قطع فیلم به جملات نوشته شده خود نمره دهند و حاصل ارزیابی را در انتها به صورت کلی مشخص سازند.

۴/۷. بهره‌گیری از زیرساخت‌های فرهنگی فیلم

ارتباط زبان آموز با جهان‌بینی فیلم که وجهی تفکر برانگیز است، موجب ورود زبان آموز به دنیای پُر پیچ و خم می‌شود و در این فرایند زبان آموز مهارتی را که در خواندن به دست آورده است با امکانات درست بالقوه نوشتن درهم تنیده می‌بیند تا بتواند از آن سود بجوید. استفاده از فیلم جریان آموزش را تبدیل به فرآیندی جذاب و مفرح می‌کند و ایجاز آن ناب‌ترین تأثیر را در ذهن مخاطب ایجاد می‌نماید؛ چرا که بی‌رمز و راز استعاری و ایهامی و بدون

آرایش‌های ظاهری دیگر متون ادبی از جمله شعر و نثر با مخاطب به آسانی و در کمترین حجم ممکن به برقراری ارتباط می‌پردازد. فیلم با ویژگی‌های ایجاز، اختصار و شفافیت مفهومی و ساختاری قابلیت بسیار مناسبی به‌منظور بهره‌گیری از فعالیت‌های کلاسی دارد. زبان‌آموز می‌تواند مفهوم کلی فیلم و اینکه شخصیت‌های آن کدامند از چه نقطه‌نظر و زاویه دیدی داستان ماجرای آن بیان شده است و یا تحلیل ابعاد گفتاری شخصیت‌های فیلم و در عین حال بحث درخصوص روابط شخصیت‌ها، کنش‌ها و سناریوی فیلم به صورت بسیار مفیدی جهت بحث و تمرین بهره ببرند. برای این منظور استاد می‌تواند فهرستی از اصطلاحات فیلم را تهیه کند و در جدولی زیر ساخت‌های فرهنگی آن، زمان کاربرد و نحوه کاربرد آن را مشخص سازد و از دانشجویان بخواهد آن را پر کنند.

جدول شماره ۱. تحلیل نمونه‌ها

مثال	موقعیت کاربردی	معنای ضمنی
آخرش من و دق می‌دی.	ناراحتی	مردن و از بین رفتن بر اثر فشار غم
آروم‌تر بخور، خفه کردی خودتو.	تعریض و کنایه	دچار مشکل شدن از زیاده روی در غذا خوردن
از تعجب شاخ درآوردم.	زمان تعریف واقعه برای کسی	حیرت و شگفتی بسیار
اعصاب برام نمونده.	ناراحتی و غصه	عدم تحمل کردن
الهی قربون نگار گفتنت بشم.	شادی	ابراز محبت به کسی که به ما توجه می‌کند
با این کارها سنگ روسنگ بند نمیشه.	نصیحت	انجام امور به صورت به هم ریخته
بیاد ببینه نیستی، پوست از سر من میکنه.	ترس	خشمگین شدن از دست کسی
پدرم دراومد تا نمایندگی رو گرفتیم.	هنگام تعریف از سختی کار	بیان شدت رنج و تلاش در انجام کاری
تا خرخره رفتیم تو قرض.	ابراز ناراحتی و نگرانی	مقروض شدن بسیار

تو من و بدبخت کردی.	ابراز ناراحتی	بیان شدت مشکل و بدبختی
جفت چشات و از کاسه در میارم.	در مواقع خشم	ادب کردن و تنبیه کردن بسیار
دارم از استرس می میرم.	دلنگرانی	هنگامی که فرد به شدت نگران و مضطرب است
ساعت به ساعت چکش می‌کند.	خشم و یا دلخوری	کنترل کردن کسی یا چیزی
قدمتون روی چشم.	خوشحالی	دعوت کردن از کسی برای مهمانی
کشته مردتم.	خوشحالی	برای ابراز عشق
مردها همه سروته به کرباسن.	ناراحتی	شکایت و ابراز ناراحتی از رفتارهای مشترک مردان که برای زنان ناخوشایند باشد
نفسم بند اومد تو این پله‌ها.	شکایت	خسته شدن بسیار
یادت نیست پاشنه خونه را از جا کنده بودی.	سرزنش و دلخوری	ابراز ناراحتی از فردی قبلاً عاشق بوده و اکنون رفتار سرد دارد
یه ریز حرف می‌زنه.	کلافه شدن	خستگی از پرحرفی فرد یا افرادی
یه لحظه هم از فکرت بیرون نمی‌آمد.	ناراحتی و اندوه	مدام فکر کردن به کسی که برای فرد جایگاه خاصی دارد.

۸. پیاده سازی جملات

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تفاوت و تمایز زبان، تمایز گفتار و نوشتار است. این تمایز، دو گونه گفتاری و نوشتاری زبان را پدید می‌آورد که در همه زبان‌ها تقریباً وجود دارد. به دلیل اختلافات بارز گفتار و نوشتار در زبان فارسی، آموزش این زبان به عنوان زبان خارجی دشواری فراوانی برای زبان آموزان به همراه دارد. مدرس در کلاس درس می‌تواند با استفاده از تکنیک آموزش شنیداری و دیداری در فیلم و درخواست پیاده سازی جملات از زبان آموزان بخواهد آنچه را از جملات شرطی غیرواقعی و فرضی در فیلم می‌شنوند پیاده سازی و به زبان معیار برگردانند، به عنوان نمونه:

- الف) آخرش منو دق می‌دی = در آخر سبب مرگ من می‌شوی
- ب) آروم‌تر بخور، خفه کردی خودتو = با آرامش بیشتری غذا بخور

به هر ترتیب به کارگیری فیلم و متن در کنار هم، به درک بهتر می انجامد؛ اما باید توجه داشت که تأثیر وسایل دیداری بر یادگیری، تابع عوامل و شرایط مختلفی از جمله هدف آموزش، مخاطب و نیازهای او، و روش آموزش است (قیاندار، بیدگلی و ضیا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲). پس جست و جو، گزینش، و به کارگیری فیلم مناسب برای استفاده در کنار کتاب آموزشی، مهم ترین و در عین حال، پرزحمت ترین بخش تدریس آن است. بنابراین، در جست و جو و انتخاب فیلم در امر آموزش باید به نکات زیر توجه داشت:

نخست، در انتخاب فیلم باید دقت شود که با معانی و مفاهیم جملاتی که قرار است آموزش داده شود کاملاً ارتباط داشته باشند.

دوم، فیلم آموزشی که برای آموزش جملات شرطی غیر واقعی انتخاب شده باید تا حد امکان ساده و به دور از پیچیدگی باشد؛ زیرا فیلم های پیچیده موجب سردرگمی دانشجویان می شود؛ مگر این که دلیل خاصی برای انتخاب فیلم های فنی و پیچیده وجود داشته باشد.

سوم، فیلم ها باید متناسب با هدف یادگیری انتخاب شوند؛ یعنی با توجه به هدف ها و نتایجی که انتظار داریم، از آنها استفاده می شود؛ به بیانی دیگر، باید فیلم هایی با موضوعات معنی دار انتخاب شود تا زبان آموزان بتوانند جملات مورد نظر معلم را در ساختار فیلم به راحتی پیدا کنند (ر. ک زارعی زوارکی و جعفر خانی، ۱۳۹۲: ۳۵؛ احدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۰؛ ذوفن و لطفی پور، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۶). چهارم، اعتبار و توانایی فیلم در برانگیختن علاقه زبان آموزان؛

۹. پیشنهاد

با توجه به یافته های پژوهش حاضر به نظر می رسد در جهت توجه به تمامی ابعاد فرهنگی و توانش ارتباطی فارسی آموزان بیگانه زبان لازم است نکاتی در نظر گرفته شود:

الف) ایجاد پیکره ای وسیع به منظور توجه به ساخت های فرا واقعی / فرضی جملات و واژگان زبان فارسی و چینش این ساخت ها از ساده به دشوار و تدریس آنها در سطوح مختلف زبان آموزی به کمک فیلم های سینمایی؛

ب) تدوین درسنامه‌ای بر مبنای ساخت‌های فراواقعی به منظور آموزش به غیر فارسی‌زبانان؛

ج) توجه به کاربردشناسی و تفاوت فرهنگی زبان آموزان جهت تدریس مصادیق واژگان فراواقعی فارسی؛

نتیجه‌گیری

دانش واژگانی بخش مهمی از زبان است و گستردگی دایره واژگانی زبان‌آموز، بر تمامی مهارت‌های زبان‌آموزی او مانند صحبت کردن، درک شنیداری، خواندن و نوشتن تأثیر مستقیم می‌گذارد. برای آموزش ساخت‌های گوناگون واژه از جمله واژگان فراواقعی / فرضی با دو دامنه اغراق و بزرگ‌نمایی و تخفیف و کوچک‌نمایی معلم باید از راه و روش‌های مناسب بهره بگیرد. برای آموزش این توانش کاربردی زبان، یکی از روش‌های بسیار مؤثر استفاده از فیلم است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زبان‌آموز می‌تواند با کمک فیلم، بافت فرهنگی زبان مبدأ به -راحتی ارتباط برقرار نماید و با انتخاب فیلم مناسب به راحتی با بافت گفتاری - محاوره‌ای واژگان فراواقعی ارتباط برقرار کند و از نظر موقعیتی به کاربرد مناسب این واژه‌ها در شرایط مختلف و یا جنسیت و سنین متفاوت به خوبی پی ببرد. وجود فرهنگ دیداری که از طریق فیلم می‌تواند به زبان‌آموز منتقل گردد، به دور از هر گونه ابهامی می‌تواند جملات واقعیت‌گریز را در اختیار وی قرار داده و در شرایطی که آموزش گیرنده با فرهنگ زبان فارسی آشنایی ندارد و معادل‌های این واقعیت‌گریزی و ساختار واژگانی فراواقعی را در زبان خود نمی‌شناسد، بتواند راهگشایی در جهت ارتباط معنادار زبان‌آموز با جهان خارج باشد.

یادداشت‌ها:

اسامی برخی از فیلم‌هایی که داده‌های جملات شرطی غیرواقعی / فرضی از آنها استخراج شده است به همراه نام کارگردان بر اساس حروف الفبا عبارت است از:

- ازدواج مشروط (محسن ربیعی: ۱۳۹۲)؛
- آواز قو (سعید اسدی: ۱۳۸۰)؛
- بوسیدن روی ماه (همایون اسعدیان: ۱۳۹۰)؛
- چهارشنبه سوری (اصغر فرهادی: ۱۳۸۴)؛
- سعادت آباد (مازیار میری: ۱۳۸۹)؛
- کنعان (مانی: ۱۳۸۶)؛
- نارنجی‌پوش (داریوش مهرجویی: ۱۳۹۰).

کتابنامه

۱. احدیان، محمد (۱۳۹۶)، «مقدمات تکنولوژی آموزشی»، چاپ دوم، تهران: شرکت بین‌المللی نشر.
۲. تاج‌الدین، ضیاء و عشقوی، ملیحه (۱۳۹۲)، آموزش زمان‌های فارسی به غیر فارسی زبانان؛ مقایسه روش‌های تدریس ساختاری و ارتباطی، علم زبان، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۷-۸۳.
۳. حسنی، حمید (۱۳۸۴)، واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز، تهران: الهدی.
۴. داد، سیما (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ سوم، تهران: مروارید.
۵. ذوفن، شهناز و لطفی‌پور، خسرو (۱۳۷۳)، تولید و کاربرد مواد آموزشی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
۶. زارعی زوارکی، اسماعیل و جعفرخانی، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی کاربرد تصویر در آموزش، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، سال سیزدهم، شماره ۷، پیاپی ۱۲۰، صص ۲۷-۳۶.
۷. شفیع‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: آگاه.
۸. صفارمقدم، احمد و رستم‌بیگ، آتوسا (۱۳۹۳)، آزوفا سینمایی: کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی زبانان، زبان‌شناخت، سال پنجم، صص ۷۹-۱۰۲.

۹. ضیاء حسینی، سید محمد (۱۳۸۵)، روش تدریس زبان خارجی / دوم، تهران: رهنما.
۱۰. قبان‌داری بیدگلی، فهیمه و ضیاء حسینی، سید محمد (۱۳۹۲)، تأثیر استفاده از تصویر در افزایش دانش واژگانی فارسی‌آموزان خارجی؛ مطالعه موردی فارسی‌آموزان کره‌ای، پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۱۱. گله‌داری، منیژه (۱۳۹۲)، آموزش واژگان فارسی به زبان‌آموزان غیر فارسی، مجموعه مقالات هفتمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی تهران: چاپ دوم، تهران، ستاد گسترش زبان و ادبیات فارسی.

منابع لاتین

۱. Carter. R (۱۹۹۸). vocabulary and Language teaching, London. Longma.
 ۲. Leech, G.N (۱۹۶۹). A linguistic guide to English poetry. New york. Longman
 ۳. Richards, C.J and Rodgers, T (۲۰۰۱), Approaches and methods in Language Teaching, Cambridge university press.
 ۴. Scott. A.F (۱۹۶۵). Current literary terms a concise dictionary of origin. New york. Longman
 ۵. Wright, A. (۱۹۸۹). Pictures for Language Learning, Cambridge: Cambridge University Press.
- Teaching unrealistic and hypothetical conditional sentences to non-Persian speakers in the process of culture building